



بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً
وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ. (آل عمران
آیه ۶۴)

بگو: ای اهل کتاب! به‌سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است بیایید و جز
خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی از ما برخی دیگر را،
به‌جای خداوند یگانه، به خدائی نپذیرد. پس هرگاه (از این دعوت) سر برتابند، بگوئید:
گواه باشید که ما فرمانبر (اوامر و نواهی خدا) هستیم.

الله سبحانه و تعالی در آیه فوق می‌فرماید که اهل کتاب نیز به خدای یگانه ایمان دارند ولی
سؤالی پیش می‌آید که ادیانی مثل هندو با آن‌همه بت و بتکده و خدایان بی‌شمار و مسیحیت نیز با
شعار معروف پدر و پسر و روح‌القدس، زرتشت با دو خدای شر و نیک معروف خود، چگونه ممکن
است به وحدانیت خداوند معتقد باشند؟ برای پاسخ به این سوالات، ضرورت دارد کتاب «تعریف
خداوند در ادیان بزرگ جهان» اثر دکتر ذاکر عبدالکریم نایک را مطالعه نمائیم.

در ترجمه کتاب سعی شده است از کلمات و افعالی ساده استفاده شود تا برای همه قابل فهم
باشد. این کتاب فی سبیل الله ترجمه شده است، پس نشر و کپی و چاپ آن در سایت‌ها، وبلاگ‌ها
و کانال‌های مختلف با ذکر آدرس سایت و تلگرام رد شبهات ملحدین شرعاً جایز و دارای اجر معنوی
است.

مترجم: بهرام

ادیان غیر سامی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - ادیان آریایی: این ادیان بیشتر در میان اقوام ایرانی-هندی رواج داشته‌اند و در میان گروه‌های عظیمی از مردم ایرانی-هندی در میان ایران و غرب هندوستان در سال‌های ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد انتشار یافته‌اند.

ب-ادیان غیر آریایی: ادیان غیر آریایی شامل انواع مختلفی از ادیان هستند مثلاً دین کنفوسیوس‌یسم و تائوئیسم ادیانی هستند که سرچشمه چینی دارند ولی شیتوئیسم دینی است که سرچشمه آن در ژاپن است.

بسیاری از ادیان غیر آریایی تعریف واضحی از خدا ندارند و بیشتر به‌عنوان جنبش‌های فکری شناخته می‌شوند تا دین.

ادیان آریایی باز به دودسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

ادیان ویدیکی^۱ و ادیان غیر ویدیکی^۲

ادیان ویدیکی که به اشتباه ادیان هندویی نامیده می‌شوند ولی خود دین هندو، زیرشاخه ادیان ویدیکی است. دین برهمنی هم یکی از انواع ادیان ویدیکی است.

ادیان غیر ویدیکی مانند: سیک و بودایی و جینیسم^۳

تقریباً تمام ادیان آریایی دین‌های بدون پیامبر هستند

دین زرتشتی هم یک دین آریایی غیر ویدیکی است ولی ادعا دارند که زرتشت^۴ پیامبر بوده است.

^۱ Vedic

^۲ non-vedic

^۳ Jainism (از ادیان کهن در هندوستان که عملاً اعتقادی به خداوند ندارند)

^۴ برخی از موبدان زرتشتی به مانند موبد نیک‌نام اعتقاد دارند که زرتشت پیامبر نبوده است (مترجم)

بهترین تعریف برای خداوند در ادیان مختلف:

براساس اعتقادات پیروان یک دین نمی‌توان به تعریف خداوند در آن دین دست یافت زیرا اکثریت پیروان ادیان نسبت به صفات و ویژگی‌های خداوند در کتب دینی خودشان بی‌اطلاع هستند. پس همیشه بهترین راه برای دست یافتن به حقیقت یک دین مطالعه کتب مقدس آن دین است.

پس بیاید برخی از ادیان را مورد بررسی قرار دهیم تا بدانیم در مورد خداوند و ویژگی‌ها و صفاتش چه گفته‌اند.

تعریف خداوند در دین هندو



پرطرفدارترین دین در میان ادیان آریایی دین هندو است. «هندو» در حقیقت یک کلمه با ریشه فارسی است، که به معنی سرزمین‌های پست از دره «هند» می‌باشد.

امروزه کلمه هندو به معنی دینی مختص به مردمان این سرزمین است.

از اساسی‌ترین کتب مذهبی این آئین عبارت‌اند از «ویداس»، «اوپانیشاد» و «باگوت گیتا».

¹ Vedas

² the Upanishad

³ bhagwad geeta

از جمله ویژگی‌های خداوند در دین هندو

در حقیقت دین هندو از جمله مشرک‌ترین ادیان جهان است. بسیاری از پیروان، داعیان و علمای این دین اعتقاد دارند که چندین خدا وجود دارد. این در حالی است که برخی از هندوها اعتقاد به وجود ۳۳ خدا و برخی دیگر اعتقاد به وجود ۳۳ میلیون خدا دارند.

اما آن دسته از هندوهایی که کتب دینی خودشان را مطالعه کرده‌اند و از اساس دین هندو مطلع هستند اعتقاد راسخی دارند به این که باید تنها به یک خداوند اعتقاد داشته باشند و تنها یک خداوند را عبادت کنند.

یکی از بارزترین اختلافات میان مسلمانان و هندوها اعتقاد «وحدت الوجودی» در میان هندوهاست، به عبارت دیگر هندوها اعتقاد دارند که هر چه در این جهان وجود دارد از جاندار و بی‌جان بخشی از خداوند هستند و باید مورد تکریم قرار گیرند. آری در این دین، انسان و حیوان و درخت و سنگ و... بخشی از خداوند هستند. برای یک هندو هر چیزی می‌تواند یک خدا باشد.

اما برخلاف هندوها، مسلمانان اعتقاد دارند که هر چه در جهان وجود دارد نه تنها بخشی از خداوند نیست بلکه از مخلوقات خداوند است. به همین دلیل مسلمانان اعتقاد دارند که همه عالم از خورشید، ستاره‌ها، انسان، گیاهان و... همه ملک خداوند هستند و به‌وسیله خداوند خلق شده‌اند.

قرآن بهترین دلیل بر این ادعا است که نباید هیچ‌چیزی را به‌جز الله عبادت کرد.

حال به مسائل مشترک میان دین هندو و دین اسلام می‌پردازیم:

باگوت گیتا

این کتاب مشهورترین و معتبرترین کتب در میان همه هندوهاست. در آن چندین آیه وجود دارد

به این که فقط و فقط یک خدا وجود دارد، اشاره می‌کند و مخالف چندخدایی است.

در کتاب باگوت گیتا بخش ۷ آیه ۲۰ می‌خوانیم:

«کسانی که از عقل خود برای کسب مال و ثروت اندوزی استفاده می‌کنند خود را تحت امر نیمه خدایان

قرار داده‌اند و خدایان تقلبی که پیرو و تحت امرشان هستند با خلیات و طبیعت‌شان سازگار است».

در اینجا به‌خوبی بیان شده است کسانی که دنبال مادیات و شهوات هستند خدای حقیقی را

نمی‌پرستند بلکه خدایان دروغین را می‌پرستند.

اوپانیشاد

اوپانیشاد نیز از جمله کتب مشهور و معتبر هندوهاست که به چند آیه از آن اشاره می‌کنیم.

«او تنهاست و دوتا نیست» اوپانیشاد بخش ۶ آیات ۱ و ۲

«او نه همسری دارد و نه شریکی» اوپانیشاد بخش ۶ آیه ۹

«هیچ همتا و همانندی ندارد» اوپانیشاد بخش ۴ آیه ۱۹

«او هیچ همتا و همانندی ندارد و اسم او بزرگ و سربلند است» اوپانیشاد صفحات ۷۳۶ و ۷۳۷

آیات بالا را با چند آیه از قرآن مقایسه می‌کنیم.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (آیه ۴ سوره اخلاص)

و کسی همتا و همگون او نیست.

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (آیه ۱۱ سوره شوری)

هیچ چیزی همانند خدا نیست و او شنوا و بینا است

در آیه‌ای دیگر از اوپانیشاد می‌خوانیم.

«تصویر او هرگز دیده نشده است، هیچ کس او را به چشم خود ندیده است، کسانی که با عقل و دل او را می‌شناسند

آنها پیوندی محکم ساخته‌اند که همیشه پابرجاست» اوپانیشاد بخش ۴ آیه ۲۰

در قرآن هم بدین شکل می‌خوانیم.

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (آیه ۱۰۳ انعام)

چشم‌ها او را در نمی‌یابند، و او چشم‌ها را در می‌یابد (و به همه دقائق و رموز آنها آشنا است) و او دقیق (است و با

علم کامل و اراده شامل خود به همه ریزه‌کاری‌ها آشنا، و از همه چیزها) آگاه است.

ویداس

ویداس معتبرترین و قابل قبول‌ترین کتب در میان هندوهاست و شامل چهار کتاب است: «ریگ

ود»، «جور ود»، «سام ود» و «آساروا ود»^۱

یاجور ود

چند آیه از این کتاب:

«هیچ چیزی مانند او نیست» یاجور ود بخش ۳۲ آیه ۳

در آیه‌ای دیگر به این اذعان می‌کند که خداوند از کسی زاده نشده است

¹ rig ved

² Yajur ved

³ Sam ved

⁴ Atharva ved

«او زاده نشده است و بلندمرتبه و صاحب جلال است و تمام اشیاء و خورشید را نگه داشته است و هیچ‌گاه به ما آسیب نمی‌زند این دعا و عبادت من است او سزاوار پرستش است» یاجور ود بر اساس نسخه دوی جاد صفحه ۳۷۷

در بخشی دیگر دعایی بدین مضمون می‌خوانیم:

«ما را به راه راست هدایت فرما و گناهانی را که باعث گمراهی و انحراف ما می‌شود از ما دور گردان» یاجور ود بخش ۴۰ آیه ۱۶

در جایی دیگر می‌خوانیم:

«آن‌ها به تاریکی می‌روند. آن‌هایی که اشیاء را می‌پرستند، آن‌هایی که ساخته‌های دست بشر را می‌پرستند به تاریکی عمیق‌تری فرو می‌روند» یاجور ود بخش ۴۰ آیه ۹

«او جسم نیست و پاک است» یاجور ود بخش ۴۰ آیه ۸

آسارا ود

آیاتی از این کتاب:

«به راستی که خداوند بلندمرتبه است» اسارا ود ۲۰ ۵۸ آیه ۳

این بخش از کتاب آسار ود به این آیه قرار شباهت دارد

وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (آیه سوره رعد آیه ۹)

و خدا دارای قدرتی بی‌انتهای و کیفری سخت و دردناک است.

ریگ ود

این کتاب از سه کتاب قبلی قدیمی‌تر و معتبرتر است و نزد هندوها بسیار مقدس است و در آن آمده است:

«راهبان تنها یک خداوند را با صفات مختلفی می‌خوانند» ریگ وید ۱:۱۴۶:۶۴

در این کتاب بیشتر از ۳۳ صفت برای خداوند ذکر شده است که یکی از این صفات «برهما» است و به معنی خالق است. مسلمانان در این مورد هیچ مشکلی با آن ندارند ولی مشکل اساسی این است که اعتقاد دارند خداوند چهار سر دارد.

یکی دیگر از صفات خداوند در این کتاب «ویشنو» است که به معنی «رب» و یا پروردگار است، این صفت نیز صفت زیبایی است و ما مسلمانان با این صفات زیبا مشکلی نداریم مشکل این است که اعتقاد دارند خداوند چهار دست دارد و در دست راست خود یک حلقه دارد و در دست چپش یک حلزون یا یک مار.

ما مسلمانان هیچ تجسم و تصویری از خدا را نمی‌پذیریم.

در کتاب یاجور وید نیز اشاره است که:

«هیچ چیزی مانند او نیست» یاجور ود بخش ۳۲ آیه ۳

آیاتی دیگر از کتاب ریگ وید

«ای دوستان هیچ‌کس را به غیر از خداوند یکتا عبادت نکنید» ریگ وید ۸:۱:۱

این آیات به ما کمک می‌کند تا اعتقادات اصلی دین هندو را در مورد مفهوم خداوند بدانیم.

دین سیک

دین سیک یک دین غیرسامی، دینی آریایی و غیر ویدیکی است. هرچند که این دین جزء ادیان قدیمی نیست ولی از دین هندو منشعب شده است که توسط راهب هندو گورو نانک^۱ در سال‌های پایانی سده ۱۵ میلادی ایجاد شده است و در مناطقی مثل پاکستان و شمال غرب هندوستان معروف به پنج‌آب گسترش یافت.

گورو نانک از مادری هندو در «کاشیتریا»^۲ به دنیا آمد و از مسلمانان و اسلام بسیار تأثیر پذیرفت. سیک از کلمه «سیسیا»^۳ به معنی مرید یا پیرو مشتق شده است. دین سیک به دین ۱۰ گورو یا ۱۰ راهب مشهور است.

اولین راهب «گورو نانک» بود و دهمین و آخرین راهب «گورو گویند سینگ»^۴ بود.

کتاب مقدس سیک‌ها «سری گورو گرانت»^۵ نام دارد البته به این کتاب «آدی گرانت صاحب»^۶ نیز گفته می‌شود.

هر سیک باید پنج «ک» را در زندگی روزمره خود رعایت کند که نشانه مشترک همه سیک‌هاست و عبارتند از:

^۱ guru nanak

^۲ Kshatriya

^۳ Sisy

^۴ guro gobind singh

^۵ sri guru granth

^۶ adi granth sahib



۱- کیش! باید همه گوروها موی سر بلند داشته باشند و آن را کوتاه نکنند.

۲- کانگا! باید از موهای سرشان به پاکی نگهداری کنند و آن را شانه کنند.

۳- کادا! باید برای قوی نگه داشتن بدن و مراقبت از آن‌ها انگوی فلزی یا استیل در دست کنند.

۴- کریپان! باید همواره یک چاقو برای محافظت از خود همراه داشته باشند.

۵- کاچا! برای اینکه چالاکي آنها افزایش یابد، باید بالاپوشی بلند که تا زانوهایشان پایین بیاید بپوشند.

مولمانترا؟

بهترین روشی که بتوان تعریف خداوند را در دین سیک به دست آورد مولمانترا نام دارد که این موارد در دوران گورو گرانت صاحب (یکی از ۱۰ گورو) بنیان نهاده شد.

¹ Kesh

² Kangha

³ Kada

⁴ Kirpan

⁵ Kaccha

⁶ Mulmantra

در کتاب سری گورو گرانت صاحب جلد اول آیه اول بیان آمده است:

«تنها یک خدا وجود دارد که به آن خالق گفته می‌شود. او از ترس و نفرت به دور است و از ازل وجود داشته است و از کسی زاده نشده است او بلند مرتبه و رحیم است».

دین سیک به پیروان خود می‌گوید که فقط یک خدا وجود دارد که قدرتمند است و قابل‌دیدن نیست که به این صفت «ایک اومکار»^۱ گفته می‌شود.

در حالت اوکار^۲ خداوند چند صفت دارد:

۱ – کارتار^۳ به معنی خالق

۲ – صاحب^۴ به معنی پروردگار

۳ – آکال^۵ تا ابد

۴ – ساتاناما^۶ نام مقدس

۵ – پاوردیگار^۷ مراقب

۶: رحیم^۸ بخشنده

۷ – کریم^۹ سخاوتمند

هم این‌طور به خداوند «وهی گورو»^{۱۰} هم گفته می‌شود به معنی خداوند یکتا و حقیقی.

¹ ek omkar

² Omkara

³ Kartar

⁴ Sahib

⁵ Akal

⁶ Sattanama

⁷ Parvardigar

⁸ Rahim

⁹ Karim

¹⁰ wahe guru

علاوه بر این که دین سیک بر یکتاپرستی بسیار اصرار دارد به «آواتاراوادا» نیز اعتقاد دارد و سیک ها می‌گویند: خداوند هیچ‌گاه به شکل انسان در نمی‌آید. دین سیک به شدت بر ضد بت‌پرستی است.

تأثیرپذیری گورو نانک از سانت کبیر

گورو نانک مؤسس دین سیک از سانت کبیر بسیار تأثیر پذیرفته است، به طوری‌که برخی از ابیات شعرهای او را در کتاب «گورو سانت صاحب» آورده است. به‌عنوان مثال:

«همه انسان‌ها در هنگام مشکلات خداوند را به یاد دارند اما هیچ‌کس در هنگام خوشی خداوند را به یاد نمی‌آورد آیا کسی که در هنگام خوشی خداوند را به یاد داشته باشد دچار مشکلات می‌شود؟»

این بخش با آیاتی از قرآن تا حدودی مطابقت دارد به‌عنوان مثال:

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّئُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (سوره زمر آیه ۸)

هنگامی که گزند می‌رسد متوجه انسان می‌گردد، پروردگار خود را به فریاد می‌خواند و تضرع کنان رو به درگاه او می‌آورد. سپس هنگامی که نعمت بزرگی از جانب خود بدو داد (و شقاوت او را به سعادت و ناخوشی وی را به خوشی تبدیل کرد) خدا را که قبلاً به فریاد می‌خواند فراموش می‌کند (و گزند را از یاد می‌برد و به ترک دعا می‌گوید) و برای خدا همتیانی قرار می‌دهند تا (هم خود را و هم مردمان را بدان) از راه او به در برد و گمراه کنند. (ای پیغمبر! به چنین فردی) بگو: اندک روزگاری از کفر خود بهره‌مند شو (و با آن خوش بگذران، اما بدان که) تو از دوزخیانی.

¹ Avataravada

تعریف خداوند در دین زرتشتی



دین زرتشتی از کهن‌ترین ادیان آریایی است که ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد در ایران رواج یافته است. تعداد پیروان این دین بسیار کم هستند و تقریباً ۱۳۰ هزار نفر در سرتاسر جهان پیرو این دین‌اند.

زرتشتیان ادعا دارند که زرتشت پیامبر آنان است و کتب مقدس آن‌ها «دساتیر» و «او ستا» نام دارد.

در دین زرتشتی به خداوند «اهورامزدا» گفته می‌شود کلمه «اهورا» به معنی خداوند و «مزدا» به معنی دانا است و «اهورامزدا» به معنی خداوند دانا است.

خصوصیت خداوند بر طبق کتاب دساتیر

خداوند یکتاست

خداوند مانند و همتایی ندارد

آغاز و پایانی ندارد

او همسر و پدر و مادری ندارد

او جسم و تصویری ندارد

نه چشم‌ها او را می‌بیند و نه ذهن‌ها توان تصور او را دارند

او از همه مهربانی‌هایی که به ذهن و فکر ما خطور کند مهربان‌تر است

او از خود ما به ما نزدیک‌تر است

خصوصیت خداوند بر طبق کتاب اوستا

بر طبق اوستا و طبق «گات‌ها» و «یسنا» اهورامزاد دارای صفتهای مختلفی است که عبارتند از:

خالق: یسنا بخش ۳۱ آیه ۱۱ و ۷ و یسنا بخش ۴۴ آیه ۷ و یسنا بخش ۵۰ آیه ۱۱ و یسنا آیه بخش ۵۱ آیه ۷

بزرگ و قدرتمند: یسنا بخش ۳۳ آیه ۱۱ و یسنا بخش ۴۵ آیه ۶

مهربان و دلسوز: یسنا بخش ۳۳ آیه ۱۱ و یسنا بخش ۴۸ آیه ۳

بخشنده: یسنا بخش ۴۵ آیات ۴ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ و یسنا بخش ۴۴ آیه ۲ و یسنا بخش

۴۵ آیه ۵ و یسنا بخش ۴۶ آیه ۹ و یسنا بخش ۴۸ آیه ۳

تعریف خداوند در دین یهود



دین یهودی از جمله ادیان اولیه سامی است و پیروان این دین به یهودی معروف هستند و ادعای پیروی از موسی علیه‌السلام را دارند.

برخی آیاتی که در ذیل ذکر شده‌اند از پنج کتب اولیه تورات به اسم اسفار خمسه انتخاب شده‌اند که این کتب مورد تایید مسیحیان و یهودیان است.

«ای اسرائیل بشنو که یهوه، خدای ما، یهوه واحد است»

کتاب تثنیه بخش ۶ آیه ۴

«من یهوه هستم و غیر از من نجات دهنده‌ای نیست»

کتاب اشعیا بخش ۴۳ آیه ۱۱

«من یهوه هستم و غیر از من خدای دیگری نیست»

کتاب اشعیا بخش ۴۵ آیه ۵

«زیرا من خداوند قادر مطلق هستم و هیچ کس نظیر من نیست.»

کتاب اشعیا بخش ۴۶ آیه ۹

آیین یهود از مخالفین بت‌پرستی است و این آیات دلیلی بر این مدعا است.

«تو را خدایان دیگری غیر از من نباشد. هیچ تمثال و صورتی تراشیده از آنچه در آسمان و زمین است و آنچه در آب و

زیرزمین است برای خود مساز و آن‌ها را سجده نکن و آن‌ها را عبادت نکن زیرا من یهوه خدای تو هستم»

کتاب خروج بخش ۲۰ آیات ۳ تا ۵

آیاتی شبیه این در کتاب تثنیه تکرار شده است

«به حجت خود تو را به حضور من خدایان دیگر نباشد. صورتی تراشیده و هیچ تمثیلی از آنچه در آسمان و زمین است و آنچه در آب و زیرزمین است مساز آن‌ها را سجده و عبادت نکن زیرا من یهوه خدای تو هستم»

کتاب تثنیه بخش ۵ آیات ۷ تا ۹

تعریف خداوند در دین مسیحیت

مسیحیت نیز یکی از ادیان سامی است که گفته می‌شود نزدیک به دو میلیارد پیرو در سرتاسر جهان دارد. عیسی علیه‌السلام از جمله پیامبرانی است که در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و اسلام تنها دینی است که عیسی علیه‌السلام را پیامبر خداوند می‌داند.

قبل از اینکه به تعریف خداوند در دین مسیحیت بپردازیم دیدگاه اسلام را در باره‌ی پیامبر عیسی(علیه‌السلام) به طور خلاصه بیان می‌کنیم:

در اسلام ایمان آوردن به نبوت عیسی علیه‌السلام بخشی از ایمان است، یعنی هیچ مسلمانی وجود ندارد که منکر نبوت او باشد.

ما اعتقاد داریم که عیسی علیه‌السلام یکی از انبیاء عظیم‌الشان بوده است.

ما تولد عیسی علیه‌السلام را یک معجزه می‌دانیم. مادرش مریم علیها‌السلام بدون ازدواج با هیچ مردی او را به دنیا آورده است و جالب اینکه بسیاری از مسیحیان امروزی به این امر اعتقاد ندارند.

ما اعتقاد داریم که حضرت عیسی علیه‌السلام کورها را بینا می‌کرد و مردگان را زنده می‌کرد ولی همه این معجزات را به اذن و دستور الله انجام می‌داد.

ممکن است کسی بپرسد اگر اسلام و مسیحیت هر دو به عیسی علیه‌السلام اعتقاد دارند و مورد احترام هر دو دسته است پس چرا میان مسلمانان و مسیحیان تا این حد اختلاف وجود دارد؟

اختلاف اصلی میان اسلام و مسیحیت این است که مسیحیان عیسی علیه‌السلام را خدا می‌دانند.

این در حالی است که عیسی علیه‌السلام هیچ‌گاه مردم را به عبادت خودش دعوت نکرد و در هیچ‌کدام از آیات انجیل آیه‌ای وجود ندارد که عیسی علیه‌السلام گفته باشد «من خدا هستم» و یا «من را بپرستید» بهتر است چند آیه انجیل را با هم بررسی کنیم.

«پدر از من بزرگ‌تر است»

انجیل یوحنا بخش ۱۴ آیه ۲۸

«من به روح خداوند دیوها را بیرون می‌کنم»

انجیل متی بخش ۱۲ آیه ۲۸

«هرآینه ملکوت خداوند بر شما آمده است»

انجیل متی بخش ۱۱ آیه ۲۰

مأموریت عیسی علیه‌السلام تکمیل کردن شریعت بود.

پیامبر عیسی هرگز دعوت به خدایی خود نکرد بلکه خداوند او را مبعوث کرد تا شریعت‌های قبل از خود را کامل کند چیزی که در انجیل به واضحی بیان شده است.

«گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و مصحف انبیا را باطل سازم. بلکه آمده‌ام تا آن را تکمیل کنم. هرآینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه و نقطه‌ای از تورات زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. پس کسی این احکام را کوچک بشمارد و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده می‌شود. اما هرکه به آن عمل کند و به مردم چنین تعلیم دهد به او در ملکوت آسمان اجر بزرگ داده خواهد شد»

انجیل متی بخش ۵ آیات ۱۷ تا ۱۹

خداوند عیسی علیه‌السلام را مبعوث کرده‌اند.

در انجیل در مورد وحی نازل‌شده بر عیسی نبی آیاتی ذکر شده است.

«کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است که برا ما فرستاده است»

انجیل یوحنا بخش ۱۴ آیه ۲۴

«و حیات جاودانی این است که تو خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح فرستادی او را بشناسید»

عیسی علیه‌السلام کوچک‌ترین تشبیه خود به خداوند را رد کرده است در انجیل ذکر شده است.

در انجیل متی مطلب جالبی نقل شده است که شخصی به نزد عیسی مسیح علیه‌السلام می‌رود و به او می‌گوید نیکو و عیسی مسیح نیز در جوابش می‌گوید فقط خداوند نیکو است نه من.

«ناگهان شخصی به نزد عیسی آمد و گفت: ای استاد نیکو چه عمل نیکویی انجام دهم تا حیات جاودانه یابم؟ وی گفت از چه سبب مرا نیکو گفتی؟ و حال آنکه جز خدا کسی نیکو نیست»

انجیل متی بخش ۱۹ آیه ۱۶ و ۱۷

این آیات تنها تعدادی از آیات انجیل بود که به صورت واضح خدا بودن عیسی علیه‌السلام و قربانی شدن عیسی علیه‌السلام برای نجات بشریت را رد می‌کند. عیسی علیه‌السلام ده فرمان داده است که با اجرای آن به سعادت برسند.

عیسی نامری برگزیده خداوند است و آیاتی که در انجیل ذکر شده‌اند حقانیت قرآن را اثبات می‌کنند که طبق قرآن عیسی علیه‌السلام یک پیامبر است.

اولین فرمان از فرمان‌های ده‌گانه این است که خداوند واحد است.

«بشنو ای بنی اسرائیل خدای ما خدای واحدی است»

انجیل مرقس بخش ۱۲ آیه ۲۹

تعریف خداوند در دین اسلام

اسلام هم یکی دیگر از ادیان سامی است که بیشتر از یک میلیارد و دویست میلیون پیرو در سراسر جهان دارد. اسلام به معنی تسلیم شدن در برابر اوامر و شریعت الله است و مسلمانان اعتقاد دارند که قرآن کلام الله است که بر پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و سلم نازل شده است.

در اسلام به صورت آشکارا ذکر شده است که الله پیامبرانی را در طول تاریخ بر مردمانی مختلف فرستاده است که همه آنها یک پیام واحد داشته‌اند و پیام واحد تمام انبیا این بود: ایمان داشتن به خدای یگانه و ایمان داشتن به روز رستاخیز. به همین دلیل در اسلام ایمان آوردن به پیامبران قبلی یکی از ارکان ایمان است.

کوتاه‌ترین و بهترین تعریف خداوند

کوتاه‌ترین تعریف خداوند در اسلام در چهار آیه‌ی سوره اخلاص ذکر شده است:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

بگو: خدا، یگانه‌ی یکتا است. خدا، سرور و الای برآورنده امیدها و برطرف‌کننده نیازمندی‌ها است. نه زاده است و نه زاده شده است. و کسی همتا و شبیه او نیست.

سوره اخلاص معیار خداشناسی است.

سوره اخلاص سوره ۱۱۲ از قرآن است و معیار خداشناسی^۱ است.

برای هر مسلمانی آیات این سوره کافی است تا به تعریف جامعی از خداوند دست یابد و هر کسی و هر چیزی که ادعای خدایی دارد باید از فیلترهای ذکر شده در این سوره عبور کند زیرا معیارهای ذکر شده در این سوره بسیار خاص هستند و هر کس و هر چیزی که مدعی خدایی باشد توان عبور از معیارهای این سوره را ندارد.

دیدگاه اسلام در مورد خدا بودن انسان‌ها

در هندوستان بسیاری از اوقات به دسته‌ای از انسان‌ها خدا گفته می‌شود.

در اسلام هرگونه خدا ذکر کردن انسان‌ها ممنوع است. برای اینکه دیدگاه اسلام را در مورد خدا قرار دادن انسان‌ها بدانیم یکی از این نمونه‌ها را ذکر می‌کنیم: یکی از افرادی که ادعای خدایی دارد اوشو رنجیش^۲ نام دارد.



اوشو یکی از رهبران دینی هندی است که در ماه می سال ۱۹۸۱ اوشو به آمریکا سفر کرد و شهری به نام راجنش پورام^۳ را تأسیس نمود. او در غرب اشتباهات پلیدی داشت و مانع ادامه

^۱ Theology

^۲ osho Rajneesh

^۳ rajeesh puram

فعالیت وی شدند و از او خواستند تا آمریکا را ترک کند. بدین ترتیب او به هندوستان بازگشت و یک گروه را در پوین تشکیل داد که حال به اسم «اوشو» شناخته می‌شود. اوشو در سال ۱۹۹۰ به دیار باقی شتافت.

پیروان اوشو اعتقاد دارند که اوشو «خدا» بوده است.

اگر شخصی به مکان‌های تجمعات طرفداران اوشو برود می‌بیند که بر روی قبر او با پارچه‌ای نوشته‌اند «ببیند اوشو خداست او نه به دنیا آمده است و نه از دنیا رفته است بلکه از تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۳۱ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۹۰ به این دنیا سفر کرده است.»

اما پیروانش دقت نمی‌کنند که اوشو در مدت زندگانی خود از ۲۱ کشور خارجی ویزا دریافت کرده است و به آن کشورها سفر کرده است. جای تعجب است که اوشو خدای موردنظر آنان برای سفر کردن در زمین خودش نیاز به ویزا داشته باشد.

اینک نظر طرفداران اوشو که او را خدا می‌دانند با معیارهای موجود در سوره اخلاص بررسی می‌شود.

در اولین آیه ذکر شده است «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) بگو: خدا، یگانه و یکتا است.» آیا اوشو تک و تنها بوده است؟

در دومین آیه ذکر شده است «اللَّهُ الصَّمَدُ» اوشو به هیچ وجه دارای زندگی بی‌نیاز نبوده است و او ابدی نبوده است زیرا او تا سال ۱۹۹۰ که می‌میرد دچار بیماری‌های زیادی از جمله تنگی نفس، دیسک کمر، دیابت و... می‌شود و بارها گفته است که در زندان آمریکا به او سم خورنده شده است. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که یک خدای بی‌نیاز و قهار خورنده شده نمی‌تواند بی‌نیاز باشد و این موارد اثبات می‌کند که او بی‌نیاز نیست.

آیه سوم می‌فرماید: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»، ما به‌خوبی می‌دانیم که اوشو در «جبلپور»¹ نمی‌تواند بی‌نیاز باشد. او دارای پدر و مادر بود. پدرش یکی از پیروان و طرفداران او بود و این با مفاد آیه فوق سازگار نیست، به دنیا آمده است.

چهارمین آیه سخت‌ترین شرط را بیان می‌کند. این آیه می‌فرماید: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» ما هرگز نمی‌توانیم خداوند را تصور یا تجسم کنیم ولی می‌بینم که او شو دارای ریش سفید پرپشتی بود، دو چشم‌داشت، یک بینی داشت و دو گوش. عکس‌ها و پوست‌های اوشو نیز به‌صورت فراوان وجود دارند. هر گاه تصویری از خدا وجود داشته باشد بدانید آن شخص خدا نیست.

مسلمانان به چه اسمی خداوند را صدا می‌زنند؟

مسلمانان خداوند را به اسم «الله» صدا می‌زنند هرچند که معادل انگلیسی خداوند «god» است ولی اسم «الله» یک اسم بی‌نظیر است که هیچ تغییر نمی‌پذیرد درحالی‌که «god» تغییرپذیر است. مثلاً اگر «s» را به «god» اضافه کنیم این کلمه به «gods» تغییر پیدا می‌کند و به معنی خدایان است که یک اسم جمع است. اما هیچ‌گاه نمی‌توان کلمه «الله» را جمع بست زیرا اسم «الله» اسمی بی‌مانند است. علاوه بر این اگر کلمه «dees» را به اسم «god» اضافه کنیم این کلمه به «goddees» تبدیل می‌شود که به معنی خدای زن است درحالی‌که خدا زن یا مرد و مؤنث و مذکر نیست.

ما نمی‌توانیم به کلمه «الله» چیزی اضافه و یا کم کنیم تا به مؤنث و مذکر تبدیل شود زیرا که کلمه «الله» هیچ جنسیتی ندارد.

اگر کلمه «tin» را به اسم «god» اضافه کنیم این کلمه به «tin-god» تبدیل می‌شود به معنی خدای دروغین و جعلی است. درحالی‌که به اسم «الله» نمی‌توان چیزی اضافه کرد تا معنی آن را

¹ Jabalpur

تغییر دهد.

آیا خدا می‌تواند به یک انسان تبدیل شود؟

من می‌گویم اگر خدا به یک انسان تبدیل شود، در این صورت صفت خدایی را از دست می‌دهد و دیگر خدا باقی نمی‌ماند!! چگونه یک چیز می‌تواند هم خدا باشد و هم انسان؟ اسمش چه خواهد بود انسان یا خدا؟ چنین چیزی امکان ندارد.

یکی از صفتهای خداوند ابدی است ولی انسان ابدی نیست و باید بمیرد پس چگونه می‌تواند که هم انسان باشد و هم خدا، یعنی هم ابدی باشد و هم مردنی؟؟ این یک تناقض است.

خداوند آغاز و پایان ندارد، اما انسان دارای آغاز و پایان است! نمی‌شود که هم انسان بود و هم بی‌پایان! این حرفی پوچ و بی‌معنی است، مثل اینکه بگویی که یک انسان کوتاه‌قد و دراز!! آیا چنین چیزی امکان دارد؟ چگونه می‌توان در یک‌زمان هم کوتاه بود و هم دراز؟ هرگز چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد، انسان‌هایی وجود دارند که قد بلندی دارند و برخی دیگر کوتاه قد هستند و برخی دیگر متوسط‌اند. اما نمی‌شود یک فرد هم‌زمان هر سه صفت را با هم داشته باشد.

بنابراین امکان ندارد که هم خدا بود و هم انسان. برای نمونه خداوند احتیاجی به خورد و خوراک ندارد ولی انسان برای زنده ماندن باید غذا بخورد همان‌طور که الله در آیه ۱۴ سوره انعام می‌فرماید: «وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ»

و او روزی می‌دهد (و رازق همگان اوست و همه بدو نیازمندند) و به او روزی داده نمی‌شود (و نیازمند کسی یا چیزی نیست).

علاوه بر این انسان به خواب و استراحت نیاز دارد، اما خداوند نه می‌خوابد و نه استراحت می‌کند و نه نیازی به استراحت کردن دارد، همان‌طور که الله در آیه ۲۵۵ سوره بقره می‌فرماید:

«لَا تَأْخُذْهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ»

او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد).

اگر خداوند خود را به انسان تبدیل کند اختیارات و صفات او کم می‌شود و در محدودیت قرار می‌گیرد.

اللّٰه در آیه ۴۰ سوره نساء می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»

خداوند (به کسی) ذره‌ای ظلم روا نمی‌دارد..

پس اگر بپذیریم که خداوند به انسان تبدیل می‌شود باید بپذیریم که می‌تواند ظلم کند نعوذ باللّٰه. به همین دلیل اگر کل قرآن را بگردید نمی‌توانید آیه‌ای را پیدا کنید که گفته باشد «خداوند هر کاری را انجام می‌دهد» بلکه در آیات متعددی می‌فرماید "ان الله على كل شيء قدير"، بی گمان که خداوند بر هر کاری توانا است.

همچنین در آیه ۱۶ سوره «بروج»، به جای اینکه گفته باشد خداوند هر کاری را انجام می‌دهد، می‌فرماید: «فَعَالٌ لَّمَّا يُرِيدُ»

آنچه بخواهد، هرچه زودتر و با قدرت هرچه بیشتر به انجام می‌رساند.

پس اگر بگویم اللّٰه هر کاری را انجام می‌دهد این یک سخن غیرمعمول و غیرمنطقی است.

بسیاری از ادیان تا حدی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به این اعتقاد دارند که خداوند به شکل انسان‌هاست. آن‌ها اعتقاد دارند که خداوند بسیار بلندمرتبه و منزّه و بلندپایه است و از کمبودهای انسان‌ها به دور است. ولی برای اینکه قوانین را برای بشر نازل کند مجبور شده است که به شکل انسان‌ها دربیاید. این فکر غلط باعث انحراف میلیون‌ها نفر شده است. حال این عقیده

را بررسی می‌کنیم تا بدانیم آیا در عقل بشر می‌گنجد که خداوند به شکل انسان باشد؟

برخی از انسان‌ها کر و کور هستند.

می‌گوییم عقیده به اینکه خداوند خود را به شکل انسان‌ها درآورده عقیده‌ای پوچ است و جای هیچ

شکی نیست ولی بسیاری از پیروان ادیان دیگر به این امر اعتقاد دارند و مردم را به آن دعوت

می‌کنند. آیا این طرز فکر نوعی توهین به عقلی نیست که الله به انسان بخشیده است؟

این دسته از انسان‌ها در حقیقت کر و کور هستند با وجود اینکه خداوند به آن‌ها چشم و گوش

بخشیده است.

صُمُّ بَكْمَ عَمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (آیه ۱۸ سوره بقره)

(آنان همچون) کران و لالان و کوران‌اند و (به‌سوی حق و حقیقت) باز نمی‌گردند.

در انجیل هم آمده است:

«نگران‌اند ولی نمی‌بینند و شنوا هستند ولی نمی‌شنوند و نمی‌فهمند»

انجیل متی بخش ۱۳ آیه ۱۳

همین پیام در کتب مقدس هندوها نیز تکرار شده است:

«انسان‌هایی وجود دارد که این کلمات را می‌بینند ولی در حقیقت، گویی که نمی‌بینند و افرادی نیز وجود دارند که این

جملات را می‌شنوند ولی گویی که نمی‌شنوند»

ریگ وید ۱۰:۷۱:۴

همه این آیات بر این امر دلالت دارند که برخی افراد با دیدن حقیقت باز آن را انکار می‌کنند و با

آن مخالفت می‌کنند.

الله انسان‌ها را به‌وسیله انبیا راهنمایی می‌کند.

الله انسان‌ها را با عقل و شعور، بر سایر مخلوقات برتری بخشیده است.

ما انسان‌ها به‌وسیله عقل و هوش خود، وسایل جدیدی را اختراع می‌کنیم و کشفیات جدیدی انجام می‌دهیم. تصور کنید که یک شرکت ضبط صوت به همراه محصولش یک دفترچه راهنما نیز ارائه می‌دهد که در این دفترچه اطلاعاتی در مورد چگونگی کار با دستگاه و همچنین کارهایی که باعث خرابی دستگاه می‌شود را توضیح داده است.

حال اگر به انسان‌ها به‌عنوان یک ماشین نگاه کنیم می‌بینیم که انسان از پیچیده‌ترین مخلوقات الله است. الله عزوجل هیچ‌گاه به این احتیاج ندارد که به شکل انسان‌ها دربیاید تا بداند که چه چیزی برای انسان‌ها خوب است و چه چیزی برایشان خوب نیست، اما لازم است که الله، یک راهنما را برای راهنمایی انسان‌ها بفرستد.

خداوند در روز قیامت همه ما را برای سؤال و جواب فرا می‌خواند و این در عقل انسانی چیزی پذیرفته است که الله تعالی، کاری‌هایی که باید انجام داد و کارهایی که نباید انجام داد؛ همه را در کتاب راهنمایی به اسم «قرآن» برای انسان‌ها نازل کرده است.

الله پیامبران را انتخاب می‌کند.

الله نیاز ندارد که به شکل انسان‌ها دربیاید و آن‌ها را راهنمایی کند بلکه در طول تاریخ بشریت در میان امت‌های مختلف افرادی را انتخاب کرده است تا پیامش را به آنها برسانند.

به انسان‌های برگزیده‌ی خداوند پیامبر و یا پیام‌رسانان الله گفته می‌شود.

صفات الله

در قرآن ذکر شده است:

فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

آیه ۱۱۰ سوره اسراء

او دارای نام‌های زیبا است

همین پیام در بسیاری از آیات دیگر قرآن در مورد اسماء الحسنی الله دوباره تکرار شده است.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

طه ۸

او خدا است و جز او معبودی نیست. او دارای نام‌های نیکو است.

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ،
هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

سوره حشر آیات ۲۳ و ۲۴

خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزّه، بی‌عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، بزرگوار و شکوهمند، و والا مقام و فرازمند است. خداوند دور و مبرا از چیزهایی است که شریک او قرار می‌دهند.

او خداوندی است که طراح و آفریدگار هستی از نیستی و صورتگر جهان است. دارای نام‌های نیک و زیبا است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است او را تسبیح و تقدیس می‌گویند و او قادر و تواناست.

تعداد اسماء الله بسیار بیشتر از این است ولی از میان تمامی اسماء خداوند مهم‌ترین آنها اسم «الله» است. در قرآن صفت‌هایی مانند «الرحمن و الرحیم و الودود و...» ذکر شده است. انسان

می‌تواند با هر صفتی که دوست دارد خداوند را صدا کند ولی به این شروط که این صفات زیبا و پاک باشند و تصویری از این صفتها در ذهنش درست نکند.

تمام صفت‌های زیبا مختص الله است و تنها او لایق آن است.

تنها الله لایق این صفات است و تمامی این صفات به زیبایی الله را وصف می‌کنند. بهتر است با یک مثال این مورد را بیشتر شرح دهیم (زیرا در مثال مناقشه نیست)

مثلاً فردی معروف مانند «نیل آرمسترانگ» را در نظر می‌گیریم.

اگر کسی بگوید نیل آرمسترانگ اهل آمریکا بوده است این در مورد آرمسترانگ درست است ولی فقط مختص به نیل آرمسترانگ نیست چون که چند میلیون نفر اهل آمریکا هستند پس نمی‌توان با این صفت او را معرفی کنیم.

همچنین اگر بگوییم آرمسترانگ فضانورد بوده است این صفت در مورد آرمسترانگ درست است اما این صفت نیز مختص به نیل آرمسترانگ نیست زیرا افراد زیادی فضانورد هستند. پس برای اینکه نیل آرمسترانگ را معرفی کنیم بهتر است صفتی که فقط مختص اوست را ذکر کنیم.

مثلاً آرمسترانگ اولین نفری بود که به کره ماه پا گذاشت.

حال اگر کسی بپرسد اولین کسی که بر روی کره ماه پا گذاشت چه کسی بود؟ جواب فقط یک نفر است "نیل آرمسترانگ".

بنابر این لازم است که صفات الله فقط مختص او باشند.

مثلاً اگر بگوییم خالق این ساختمان، این صفت خوبی است و درست است ولی فقط مختص به یک نفر نیست زیرا هزار نفر هستند که ساختمان‌ها را ساخته‌اند. پس اگر خداوند را این گونه معرفی کنیم هیچ تفاوتی میان انسان و خدا وجود ندارد.

ولی صفات زیبایی برای خداوند وجود دارند که فقط مختص اوست.

مثلاً الرحمن، الرحیم و الحکیم.

برای همین اگر کسی بپرسد چه کسی «الرحیم یعنی بسیار بخشنده» است؟ ما فقط یک جواب داریم، «الله».

صفات خداوند متناقض و متضاد نیستند.

بگذارید دوباره مثال قبلی «نیل آرمسترانگ» را بررسی کنیم.

مثلاً اگر کسی بگوید که نیل آرمسترانگ فضانورد آمریکایی است که به اندازه یک چهارپا است. قسمت اول این توصیف درست است ولی قسمت دومش درست نیست.

همچنین اگر کسی بگوید «الله» خالق همه جهان ما ست و دارای یک سر و دو دست و دو پا است، قسمت اول توصیفش درست است زیرا الله خالق همه جهان است ولی قسمت دوم توصیفش الله را به انسان تشبیه کرده است و درست نیست.

صفت‌های خداوند باید مختص به یک ذات باشند.

فقط یک الله وجود دارد پس باید صفت‌های ذکرشده برای الله مختص به یک ذات باشد.

مثلاً اگر بگوییم الله «خالق» جهان است این درست است ولی اگر بگوییم «الحافظ» هم خدایی دیگر است این درست نیست، چراکه فقط یک خدا وجود دارد و همه اسماء الحسنی مختص به اوست.

یکتایی خداوند

برخی از ادیان اعتقاد دارند که بیشتر از یک خداوند وجود دارد ولی این عقیده دارای اشکالاتی است زیرا اگر چند خداوند وجود داشته باشد در آن صورت یک خدا برای بیشتر شدن قلمرو و سلطنتش ممکن است به خدایی دیگر حمله کند و او را شکست دهد و یا شکست بخورد که هر

کدام از این موارد با صفات خدایی در تعارض است.

برخی از اینان معتقدند که برای هر پدیده‌ای خدایی وجود دارد مثلاً خدای جنگ، خدای باران، خدای رعدوبرق و... و این نیز بسیار عجیب است. مثلاً تصور کنید که خدای باران کارش فقط باراندن باران باشد و از سایر اموری همچون خلقت موجودات، مرگ و میر موجودات و رزق و روزی بی‌خبر باشد، حال چطور می‌شود که یک خدا مواردی را نداند؟

در قرآن ذکرشده است:

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَغَضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (سوره مومنون آیه ۹۱)

خداوند نه فرزندی برای خود برگرفته است و نه خدایی با او (انباز) بوده است، چرا که اگر خدایی با او می‌بود، هر خدا به آفریدگان خود می‌پرداخت (و در نتیجه هر بخشی از جهان با نظام خاصی اداره می‌گردید، و این با وحدت نظامی که بر سراسر هستی حاکم است، سازگار نمی‌بود) و هر یک از خدایان (برای توسعه قلمرو حکومت خود) بر دیگری برتری و چیرگی می‌جست (و نظام عالم از هم گسیخته می‌شد و جهان هستی به تباهی می‌کشید). خدا والاتر و بالاتر از آن چیزهایی است که ایشان می‌گویند.

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يُصِفُونَ (سوره انبیا آیه ۲۲).

اگر در آسمان‌ها و زمین، غیر از الله، معبودها و خدایانی می‌بودند و (امور جهان را می‌گردانند) قطعاً آسمان‌ها و زمین تباه می‌گردید (و نظام گیتی به هم می‌خورد. چرا که بودن دو شاه در کشوری و دو رئیس در اداره‌ای، نظم و ترتیب را به هم می‌زند). لذا یزدان صاحب سلطنت جهان، بسی برتر از آن چیزهایی است که ایشان (بدو نسبت می‌دهند و) بر زبان می‌رانند.

تعداد کمی از ادیان مانند بودائی‌ها و کونفوسیانیست‌ها به agnostic معروف هستند، یعنی نه وجود خداوند را به طول کامل قبول دارند و نه وجود خداوند را منکر می‌شوند و در مورد خداوند نظر مشخصی ندارند.

برخی دیگر از ادیان مانند جینیسم به خداوند هیچ اعتقادی ندارند.

به امید خداوند به‌زودی کتابی به اسم «آیا قرآن کلام خداست» را منتشر می‌کنم و در آن وجود خداوند را به منکرین وجود خداوند و همچنین به شبهاتی پیرامون خداوند جواب می‌دهم، و از طریق علم و منطق و همچنین آیات قرآن وجود خداوند را اثبات می‌کنم.

همه ادیان به یکتاپرستی اعتقاد دارند

همه ادیانی که به خداوند اعتقاد دارند به یکتا بودن خداوند ایمان دارند و در کتب همه ادیان این موارد ذکر شده‌است.

این انسان‌ها هستند که برای رسیدن به منفعت‌های شخصی ادیان را تحریف می‌کنند.

با گذشت زمان انسان‌ها در متن کتب مقدس تحریفاتی ایجاد کردند تا به منافع شخصی خود دست یابند، به همین دلیل پیروان ادیان از یکتاپرستی به چندخدایی منحرف شدند. الله در قرآن می‌فرماید:

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ
وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (آیه ۷۹ سوره بقره).

^۱ ان شاء الله کلیپ‌های سخنرانی آیا خداوند وجود دارد و آیا قرآن کلام خداست در اسرع وقت ترجمه و زیرنویس و در کانال رد شبهات ملحدین و دکتر ذاکر نایک پخش خواهد شد (البته تقریباً یک سال که کلیپ مورد نظر زیرنویس شده و در یوتیوب و آپارات و تلگرام پخش شده است که با سرچ کردن عبارت «آیا خدا وجود دارد» و «آیا قرآن کلام خداست» می‌توانید به آنها دست یابید)

وای بر کسانی (از احبار یهود) که کتاب را با دست خود می‌نویسند و آنگاه می‌گویند (به بی‌سوادان): این (توراتی است که) از جانب خدا آمده است تا به بهای کمی آن (تحریف‌شده‌ها) را بفروشند! وای بر آنان چه چیزهایی را با دست خود می‌نویسند! و وای بر آنان چه چیزهایی را به چنگ می‌آورند! (این گونه نوشته‌ها و کارها، ایشان را به سوی هلاک و عذاب می‌کشاند).

توحید (یکتاپرستی)

در اسلام یکتاپرستی خاصی وجود دارد که به توحید معروف است. البته یکتاپرستی در اسلام با سایر ادیان متفاوت است و یکتاپرستی در اسلام به چند بخش تقسیم می‌شود.

همان‌گونه که معلوم است کلمه «توحید» از کلمه «وحده» به معنی یگانه بودن مشتق شده است

توحید به سه بخش تقسیم می‌شود:

توحید ربوبیت

توحید اسماء و صفات

توحید العباد

توحید ربوبیت

اولین بخش از توحید «ربوبیت» نام دارد. ربوبیت از کلمه «رب» مشتق شده است که معنی پروردگار و یا پرورش‌دهنده است. پایه اصلی این توحید این است که تنها «الله» خالق همه اشیاء است و او به‌تنهایی و از عدم، همه‌ی اشیاء را به وجود آورده است. فقط او پروردگار است و گرداننده کل کائنات و هر آنچه در میان آن است بدون آنکه به کمک کسی نیاز داشته باشد.

توحید اسماء و صفات

دومین بخش توحید «توحید اسماء و صفات» نام دارد و بدین معنی است که به همه اسم‌ها و

صفات الله متعال ایمان داشته باشیم و توحید اسماء و صفات خود شامل پنج بخش است:

الف- باید خداوند را آن‌گونه توصیف کنیم که خود، در قرآن وصف نموده است:

ما حق نداریم صفتی را به صفات الله اضافه کنیم و یا صفتی را از صفات او کم کنید. مثلاً ما نمی‌توانیم خداوند را «الغاضب» نام ببریم. هرچند که الله در قرآن فرموده است که خشمگین می‌شود و امت‌های قبلی را عذاب داده‌است ولی ما این صفت را برای الله به کار نمی‌بریم چون «الله» و پیامبرش این صفت را به کار نبرده‌اند.

ب- باید خدا را با صفاتی و صف کنیم که پیامبر (صلی الله علیه و سلم) با آن، الله را و صف نموده است.

ج- صفات الله هیچ‌گاه شبیه به انسان‌ها نیست:

وقتی که در مورد اسماء و صفات خداوند صحبت می‌کنیم، باید از تشبیه کردن آن به انسان‌ها بپرهیزیم. مثلاً در کتاب پیدایش تورات ذکر شده است که خداوند از کارهای اشتباهی که انجام داده، پشیمان شده است. همان‌طور که انسان‌ها وقتی کار اشتباهی انجام می‌دهند، پشیمان می‌شوند. این گفتار مخالف توحید است. خداوند هیچ‌گاه پشیمان نمی‌شود و معذرت خواهی نمی‌کند، زیرا هیچ‌گاه کار اشتباهی انجام نمی‌دهد. یکی از پایه‌های اساسی برای صفات خداوند در آیه ۱۱ سوره شوری ذکر شده است:

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (آیه ۱۱ سوره شوری)

او آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین است. او شما را به صورت مرد و زن، و چهارپایان را به شکل نر و ماده درآورده است و بدین وسیله بر آفرینش شما (انسان‌ها و تولید و تکثیر نسل حیوان‌ها) می‌افزاید. هیچ چیزی همانند خدا نیست (و نه او در ذات و صفات به چیزی از چیزهای آسمان و زمین می‌ماند، و نه چیزی از چیزهای آسمان و زمین در ذات و صفات بدو می‌ماند) و او شنوا و بینا است (و پیوسته بر کارگاه جهان نظارت می‌نماید، و از جمله زادوولد انسان‌ها و حیوان‌ها را می‌پاید).

ما وقتی که صفات خداوند را با صفات انسان‌ها مقایسه می‌کنیم شاهد تفاوت‌های بسیاری خواهیم بود، مثلاً وقتی که در مورد سمع و بصر در انسان‌ها سخن می‌گوییم دیدن و شنیدن محدود است ولی سمع و بصر خداوند حدود مرزی ندارد.

د- نباید صفات مختص خداوند را به انسان‌ها نسبت داد:

وقتی که صفات مختص خداوند را به انسان‌ها نسبت دهیم این کار کاملاً مخالف توحید است مثلاً ما نباید شخصی را «ابدی» و یا «ازلی» بنامیم چرا که هیچ‌کس به جز الله ابدی و ازلی نیست.

ه- نباید انسان‌ها را با صفات خداوند نام‌گذاری کرد:

برخی از اسماء الهی مانند «رئوف» و «رحیم» را شریعت اسلامی اجازه داده است که بر انسان‌ها گذارده شوند آن هم به شرطی که قبل از اسم، صفت «عبد» را اضافه کنیم مثلاً «عبدالرئوف» یا «عبدالرحیم»

توحید در عبادت

«توحید در عبادت» به معنی یکتاپرستی در عبادت الله است. به طور خلاصه توحید در عبادت به معنی این است که آنچه را پروردگار به ما امر کرده است را با جان و دل بپذیریم و آنچه از آن نهی کرده است انجام ندهیم، باید تمام عبادات ما فقط برای الله باشد و هیچ‌کس را در عبادت با او

شریک قرار ندهیم.

هر سه بخش توحید را باید با هم ادا کنیم:

اگر ما دو بخش اول توحید را به‌خوبی ادا کنیم و بخش توحید در عبادت را رعایت نکنیم، آن وقت عبادات ما سودی نخواهد داشت. چرا که در دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم افرادی بودند که به دو توحید اولیه ایمان داشتند ولی توحید در عبادت را رعایت نمی‌کردند و به‌عنوان مؤمن محسوب نمی‌شدند.

در سوره یونس آیه ۳۱ ذکر شده است:

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

بگو: چه کسی از آسمان (به وسیله اشعه و باران) و از زمین (به وسیله فعل و انفعالات خاک و رویش گیاهان و درختان و میوه آن‌ها) به شما روزی می‌رساند؟ یا چه کسی بر گوش و چشم‌ها توانا است (و آن‌ها را می‌آفریند و بدان‌ها نیروی شنوایی و بینایی می‌دهد)؟ یا چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد (و حیات و ممات در دست او است)؟ یا چه کسی امور (جهان و جهانیان) را می‌گرداند؟ (مشرکین پاسخ خواهند داد و) خواهند گفت: آن خدا است، (چرا که آفریدگار جهان و روزی‌رسان مردمان و مدبّر کاروبار هستی، به اقرار وجدان بیدار، خداوند دادار است). پس بگو: آیا نمی‌ترسید و پرهیزگار نمی‌شوید؟

همین مورد باز در سوره زخرف تکرار شده است:

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (سوره زخرف آیه ۸۷)

اگر از مشرکان بپرسی، چه کسی آنان را آفریده است؟ با تأکید می‌گویند: خدا! پس چگونه (از عبادت حق تعالی)

منحرف می‌شوند (و متوجه پرستش چیزهای دیگری می‌گردند؟!).

مشرکان مکه نیز به الله ایمان داشتند و او را خالق زمین و آسمان‌ها می‌دانستند، ولی در عبادات خود بت‌ها را با خداوند شریک قرار می‌دادند به همین دلیل آن‌ها مشرک، کافر و بت‌پرست نامیده شده‌اند.

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ (سوره یوسف آیه ۱۰۶)

و اکثر آنان که مدّعی ایمان به خدا هستند، مشرک می‌باشند.

پس توحید در عبادت، یکی از بخش‌های مهم توحید است زیرا پرستش و عبادت تنها برای الله است و فقط اوست که پاداش اعمال را می‌رساند.

شرک

شرک عبارت است از کم و کاستی در ایمان به خداوند و یکتاپرستی. شرک در هر سه بخش از توحید وجود دارد، به عبارتی دیگر کم و کاستی در رعایت هر کدام از بخش‌های توحید، شرک نامیده می‌شود. همان گونه که می‌دانید در اسلام شرک به معنی شریک قرار دادن است مثلاً شریک قرار دادن بت‌ها در عبادت الله.

شرک از جمله گناهان کبیره است که هرگز بخشید نمی‌شود.

در سوره نساء خداوند در مورد شرک می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (سوره نساء آیه ۴۸).

بی‌گمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از هرکس که خود بخواهد می‌بخشد.

و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است.

همین پیام دوباره در سوره نساء تکرار شده است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

(سوره نساء آیه ۱۱۶).

سرانجام شرک آتش جهنم است.

در قرآن در سوره مائده می‌فرماید:

مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

(سوره مائده آیه ۷۲)

بیگمان هر کس انبازی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است (و هرگز به بهشت گام نمی‌نهد) و

جایگاه او آتش (دوزخ) است. و ستمکاران یار و یاورى ندارند. (تا ایشان را از عذاب جهنم برهاند)

بندگی و عبادت به‌جز برای الله شرک محسوب می‌شود.

در سوره آل عمران این‌گونه ذکر شده است.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا

أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

(آیه ۶۴ سوره آل عمران)

بگو: ای اهل کتاب! به‌سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است (و همه آن را بر زبان می‌رانیم، بیایید

بدان عمل کنیم، و آن‌این) که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را، به‌جای خداوند یگانه، به‌خدایی نپذیرد. پس هرگاه (از این دعوت) سر برتابند، بگویید: گواه باشید که ما منقاد (اوامر و نواهی خدا) هستیم.

پایان بخش کتاب

خداوند در قرآن سوره انعام ۱۰۸ می‌فرماید

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ای مؤمنان! (به معبودها و بت‌هایی که مشرکان به‌جز خدا می‌پرستند دشنام ندهید تا آنان مبادا خشمگین شوند و) تجاوزکارانه و جاهلانه خدای را دشنام دهند. همان‌گونه (که معبودها و بت‌ها را در نظر اینان آراسته‌ایم) برای هر ملت و گروهی، اعمالشان را آراسته‌ایم. (هرکسی کار خود را زیبا می‌بیند. بزه‌کار بر اثر تکرار گناه قبح آن در نظرش زوده می‌شود و بر اثر وسوسه شیطانی و نفسانی، زشت زیبا جلوه‌گر می‌گردد. به‌هرحال) عاقبت و بازگشت‌شان به‌سوی خدایشان است و خدا آنان را از آنچه انجام داده‌اند آگاه می‌سازد (و پاداش و پادافره نیکان و بدان را خواهد داد).

و در سوره لقمان آیه ۲۷ می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

اگر همه درختانی که روی زمین هستند قلم شوند و دریا (برای آن مرکب گردد) و هفت دریا کمک این دریا شود (و با آن مخلوقات خدا یادداشت گردد، قلم‌ها می‌شکنند و مرکب‌ها می‌خشکند، ولی) مخلوقات خدا پایان نمی‌گیرند. خداوند عزیز و حکیم است (می‌داند چه چیزها را باید بیافریند و چگونه بیافریند).

سوره حج آیه ۷۳

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمْ
الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ

ای مردم! مثلی زده شده است (با دقت) بدان گوش فرا دهید. آن کسانی را که بغیر از الله برای کمک می خوانید، هرگز نمی توانند مگسی را بیافرینند، اگر هم همگان (برای آفرینش آن) دست به دست یکدیگر دهند. حتی اگر هم مگس، چیزی را از آنان بستاند و برگرد، نمی توانند آن را از او باز پس گیرند و برهانند. هم طالب (که مگس ناچیز است) و هم مطلوب (که بتان سنگی و یا معبودان دروغین اند) درمانده و ناتوان اند.

پایان کتاب

توجه: نشر این کتاب در کانال ها و سایت ها و وبلاگ ها و... فقط با ذکر

نام رد شبهات ملحدین و ذکر آدرس کانال تلگرام و سایت رد شبهات ملحدین مجاز می باشد.

البته تقریباً دو سال از ترجمه این کتاب گذشته است ولی به علت مشکلات شدید ویرایشی و نگارشی و همچنین دغدغه های دنیایی متاسفانه تا به این تاریخ از نشر آن معذور بوده ایم

دلیل مشکلات نگارشی کتاب این بود که به علت تند نویسی و سرعت بالای تایپ مترجم این کتاب دارای غلط های املایی و نگارشی بسیاری بود و متاسفانه کمتر کسی حاضر به انجام ویرایش این کتاب می شد و جالب تر اینکه تا به حال این کتاب توسط ۴ شخص به صورت مجزا و در زمان های مختلف ویرایش شده است و خود من هم دوباره ویرایش و تنظیم فونت آن را بر عهده گرفتم

ولی بحمدالله این کتاب در هر صورت نشر و به صورت فی سبیل الله در اختیار شما قرار گرفته

است

باشد که خداوند آن را مایه سعادت اخروی نویسنده آن (دکتر ذاکر نایک) و مترجم آن (بهرام) و ویرایش گران متعدد آن که هیچ کدام راضی به انتشار اسمشان در این جا نبودند، شود و مایه خشنودی پروردگار را فراهم سازد.

امید است که خداوند این عمل هر چند ناچیز را از ما بپذیرد و برای هر کس که در انتشار و تهیه این کتاب به هر صورتی از قبیل پخش و یا توضیح بین مردم و یا فوروارد کردن فایل آن، سهم داشته است، ثواب جاریه و اجر معنوی محسوب کند

وب سایت رد شبهات ملحدین: <https://www.no-atheism.net>

اینستاگرام رد شبهات ملحدین: http://instagram.com/no_atheism

آپارات رد شبهات ملحدین: <https://www.aparat.com/asteira>

تلگرام رد شبهات ملحدین: https://t.me/no_atheism

فیس بوک رد شبهات ملحدین: <https://www.facebook.com/islamway1434>

آپارات از الحاد به اسلام: <https://www.aparat.com/loginislam>

کانال تلگرام دکتر ذاکر نایک: https://t.me/Doctor_nick

ترجمه اولیه کتاب: ۲۲ اکتبر ۲۰۱۷

یکشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۶

تاریخ ویرایش نهایی کتاب: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷

معادل ۲۹ اکتبر ۲۰۱۹ ساعت ۸:۵۹ دقیقه بعد از ظهر